
ضرورت دین
از نظرگاه عقل
محمدرضا کریمی والا

بسم الله الرحمن الرحیم

ضرورت دین از نظرگاه عقل - ویژه جوانان

نویسنده:

محمد رضا کریمی والا

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ضرورت دین از نظرگاه عقل «ویژه جوانان»

مشخصات کتاب

ضرورت دین از نظرگاه عقل «ویژه جوانان»

مؤلف: محمّد رضا کریمی والا

نام کتاب: ضرورت دین از نظرگاه عقل

مؤلف: محمّد رضا کریمی والا

صفحه آرا: امیرسعید سعیدی

ویراستار: رضا دیلمی

ناشر: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

تاریخ نشر: زمستان ۱۳۸۶

نوبت چاپ: اوّل

چاپ: اسوه

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۵۵۰ تومان

شابک: ۲ - ۱۲۹ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

فروشگاه بزرگ کتاب واقع در صحن مسجد مقدّس جمکران

تلفن و نمابر: ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱

قم - صندوق پستی: ۶۱۷

مقدّمه

دین به معنی آیینی الهی که مشتمل بر مجموعه ای از تعالیم اعتقادی، اخلاق، قوانین ومقررات است؛ در حیات بشری چه جایگاه و ضرورتی دارد؟

آیا دین برای بشر، حیاتی و جایگزین ناپذیر است؟

آیا کنار نهادن آموزه های دینی از عرصه های فردی و اجتماعی بشر، اندیشه ای بی اساس و باطل است؟

آیا می توان ثابت کرد، کسانی که آموزه های دینی را از زندگی خود منها کرده اند با مخاطرات غیر قابل جبران و تحمّل ناپذیری مواجه اند؟

آیا می توان نقش دین را در تنظیم برخی رفتارهای اخلاقی، جهت ایجاد آرامش روحی افراد و سفارش به بعضی قوانین اجتماعی محدود کرد، و مدعی شد که به هر میزان که متفکّران و اندیشمندان در سایه رشد علمی و عقلی به نیازهای بشر پاسخ داده و مشکلات او را از طریق راهکارهای روان شناختی و جامعه شناختی حلّ می کنند، عرصه دین تنگ تر و محدودتر می شود؟

آیا می توان دورانی فرض کرد که به طور کلّی راهکارهای دینی در زمینه های مختلف، متروک و شیوه های بشری جایگزین آن شده و انسان مستقل از هدایت های فرا بشری، امور خود را تدبیر کند؟!

این قبیل سؤالات؛ از جمله پرسش های اساسی و مهمّی می باشد که پیرامون اصل دین، خصوصاً در قرون

اخیر مطرح شده است. قرونی که پیشرفت های قابل ملاحظه بشر در حلّ بسیاری از معضلات و مجهولات دیرنه اش در عرصه های علوم انسانی و طبیعی، او را مدّعی، بلکه امیدوار کرده که خواهد توانست با اتّکاء به ابزارهای معرفتی خود، مشکلات روحی روانی و اجتماعی خود را به نحو مطلوبی حلّ و به تدریج ضرورت راهکارهای آسمانی را در حیات خویش منتفی سازد.

بدین سان، اثبات ضرورت آموزه های آسمانی برای تمام ادوار بشر، محتاجِ تحقیقی عالمانه است.

نوشتار حاضر تکاپویی است در این راستا تا از منظر عقل و بهره گیری از براهین پنج گانه آن، ضرورت دین را از ابعاد مختلف به بحث گذارد و اثبات نماید که تا ابد، دین برای بشر، امری حیاتی و بی بدیل خواهد بود.

برهان یکم

اثبات ضرورت دین براساس فطرت حق جوی انسان در نهاد انسان میل ها و گرایش های مقدّسی وجود دارد که زمینه ساز بسیاری از رفتارهای اختیاری انسان می باشند.

این میل ها و گرایش ها وجه تمایز انسان از غیر انسان و شدت و ضعف هر یک، ملاک ارزیابی انسان ها و معیار تعالی و شایستگی افراد، در کنار معیار عقل می باشد.

از جمله این تمایلات و گرایش ها عبارتند از:

۱ - میل یا گرایش به «فضیلت ها»؛ نظیر میل به «تعاون»، «ایثار»، «احسان و بخشش» و... که این قبیل فضایل وقتی موضوعیت می یابند که انسان در اجتماع و همراه با دیگران باشد.

و نیز، میل به «صبر»، «راستی و صداقت»، و «عفت و پاکدامنی» و... که در حال فردی انسان نیز موضوعیت دارند.

۲ - میل یا گرایش به «زیبایی ها»؛

انسان فطرتاً زیبا دوست و هم زیبا آفریده شده است و از آلودگی ها و زشتی ها بیزار، و از مناظر زیبای طبیعت

لذّت می برد.

۳ – میل یا گرایش به «خلّاقیت و نوآوری»؛

براساس این گرایش؛ انسان فطرتاً از امور نو و بی بدیل استقبال می کند و مایل است کاری بی سابقه و سرآمد انجام دهد.

۴ – میل یا گرایش به «پرستش»؛

انسان فطرتاً به موجودی که در فضائل و زیبایی ها سرآمد است، حُبّ و علاقه دارد. اگر این حُبّ و علاقه با پی بردن به عمق کمالاتِ چنین موجودی فزونی یابد، انسان به او عشق خواهد ورزید و نتیجه این عشق، تمایل درونی انسان به پرستش خواهد بود. و از این روست که پرستش حقیقی، وقتی است که عاشقانه باشد.

۵ – میل یا گرایش به «حقیقت»؛

از مؤثرترین گرایش های مقدّس در نهاد انسان، گرایش به حقیقت یا حسّ کاوش و حقیقت جویی است.

این حسّ که از اوّل کودکی فعلیّت یافته و کودک را به پرس و جو از رویدادها و حقایق پیرامون سوق می دهد؛ مثل همه گرایش های دیگر، بسته به این که چه میزان انسان به آن توجّه کرده و آن را پرورش داده باشد، «شدّت وضعف» خواهد داشت.

این گرایش در غالب متفکّران و دانشمندان، ظهوری بسیار مؤثّر، فعّال و نیرومند دارد و حتّی تا واپسین لحظات، آنان را به تکاپوی فهم حقایق بر می انگیزاند.

برهان نخست بر ضرورت دین، متمرکز بر بحث، پیرامون فعالیّت های این گرایش است.

توضیح برهان:

از مهمّ ترین مسائلی که «گرایش به حقیقت» همواره، اندیشه انسانِ حقیقتِ طلب را – به عنوان مهمّ ترین دغدغه فکری – با آنها درگیر کرده و برای یافتن پاسخی مناسب او را به تلاش و کنکاش عالمانه وامی دارد؛ پیرامون حقایق چهارگانه می باشد:

۱ – حقیقت انسان؟

گرایش به حقیقت این پرسش را مقابل هر انسانی طرح می کند که

آیا حقیقت او همین وجود جسمانی و ظاهری است؟

اگر حقیقت انسان جسم او باشد می بایست هرانسانی در طول عمر خویش، نه یک فرد بلکه افراد گوناگون باشد؛ زیرا وجود جسمانی دائم در حال تغییر و دگرگونی است و هر از چند گاهی به طور کلّی نو می شود.

به عنوان مثال اندام جسمانی کسی که در سنّ بیست سالگی است، همان اندام جسمانی او در ده سال قبل نیست و در دوران های بعد نیز جسم او بارها تجدید خواهد شد.

در واقع وجودهای جسمانی قالب هایی هستند که به تدریج جایگزین یکدیگر می شوند.

بدین رو نمی توان حقیقت انسان را در وجود جسمانی او جست و جو کرد. پس حقیقت انسان چیست؟

اهمیّت این شناخت آنگاه بیشتر رخ می نماید که هدف از فهم حقیقت انسان پی بردن به عوامل و زمینه های رشد و تعالی او باشد. مسلماً این عوامل و زمینه ها، بی آنکه حقیقت انسان معلوم شود؛ قابل شناسایی نخواهند بود و همان گونه که اگر حقیقت یک گیاه شناخته نشود زمینه های رشد و باروری آن فهمیده نمی شود و ممکن است در جایی که مناسب با رشد آن نیست غرس و در نتیجه پژمرده و خراب شود؛ حقیقت انسان نیز به عنوان حقیقتی واقعی، از آن رو که در هر زمینه ای قابل رشد و تعالی نیست؛ ضروری است شناخته شود تا زمینه ها و عوامل رشد وتعالی آن به درستی فراهم شود.

۲- حقیقت مبدأ انسان؟

انسان به طور مسلّم می داند که هستی پر رمز و راز او از عدم نیامده است، زیرا عدم، یعنی نیستی و از نیستی، هرگز هستی پدیدار نمی شود.

پس مبدأ انسان باید «امری وجودی» باشد و این امر وجودی به طور حتم،

طبیعت لاشعور نخواهد بود. چون نظم و هماهنگی بسیار ژرف و پیچیده ای که در وجود انسان می باشد، نشانه آگاهی و شعورِ بسیار بالای سازنده اوست که با چنین علم کاملی انسان را آفریده و برای او هدفی عالمانه و دقیق در نظر گرفته است.

گرایش به حقیقت، هر انسانی را به تلاش برای یافتن مبدأ و آشنایی با خالق، به تکاپو و حرکت در می آورد و در درون او برای شناخت شیوه درست ارتباط با خالق و سپاس از نعمت هایش، انگیزه ای نیرومند ایجاد می نماید.

۳- حقیقت وظایف انسان؟

حسّ حقیقت جوی انسان می پرسد: آیا وظایف انسان، منحصر در اعمالی چون خوردن و خوابیدن و ارضاء غرائض و شهوات است؟! همان اعمالی که برخی حیوانات آن را بهتر و کامل تر انجام می دهند؟

در این صورت انسان باید خود را از جمله حیوانات و یا حتیّ پست تر از آنها بداند و حال آنکه به طور قطع، انسان خود را موجودی شریف تر و در رتبه ای والاتر از حیوانات می داند.

گاه نهاد حقیقت طلبِ انسان می پرسد: آیا آدمی آفریده شده است تا به سان رُباتی پیشرفته، همواره مشغول انجام یکسری کارهای تکراری و گذرا شود و با کهولت سنّ و از دست دادن قوای جسمانی، از رده خارج شده و بازنشسته شود؟

آیا انسان می تواند خود را همانند ماشین فرض کند وشبانه روز در صدد اجرای برنامه های دیکته شده و تکراری خود باشد؟!

هرگز انسان نمی تواند کارایی و وظایف خود را منحصر در اموری بداند که دیگر موجودات آن را در برخی موارد، دقیق تر از انسان انجام می دهند.

هرگز انسان خود را ماشین وار تصوّر نمی کند و تردیدی ندارد که کارایی حقیقی و وظایف او، اموری بسیار والا

و شریف است.

گرایش به حقیقت جویی، این انگیزه را به طور جدّی در انسان بوجود می آورد که چیستی وظایف و کارایی انسان را کشف نماید و بفهمد که برای پیمودن کدام مسیر و رسیدن به کدام هدف، آفریده شده است؟

۴- حقیقت فرجام انسان؟

آیا هدف از خلقت و مسیر زندگی انسان، مردن و پوسیدن و خاک شدن است؟ انسان می داند جسمی که زیر خاک مدفون می شود، قالبی است که نظیر آن، بارها در طول عمر عوض شده است، و در نهایت با آخرین قالب، چند صباحی مأنوس بوده و با مرگ، آن را ترک خواهد.

پس انسان با مردن، نابود نمی شود و آنچه دفن می شود و بعد از مدّتی، پوسیده و متلاشی می شود حقیقتِ انسان نیست. در واقع انسان پس از فرارسیدن مرگ، وارد مرحله و جایگاهی متفاوت با دنیا می شود. و در آن جایگاه جدید، مسیر زندگی خود را طی خواهد نمود.

وجود چنین مرحله ای است که یکی دیگر از مجهولات و سؤالات اساسی انسان را ظاهر می سازد و آن پی بردن به حقیقت جایگاه ابدی است که دیر یا زود مسافر آن خواهد بود.

فهم حقایق چهارگانه فوق از دغدغه های اساسی هرانسانی بوده و از دیرباز، فطرت حقیقت جوی انسان، اندیشه بشر را در تکاپوی پاسخی صحیح به این سؤالات برانگیخته است.

اما پاسخ های ناشی از فهم محدود انسان، پیرامون چنین سؤالات مهمّی نتوانسته به تنهایی فطرت حقّ جوی او را قانع کند و اتّکاء به این فهم محدود، گاه او را به گمراهی های اسف باری نیز دچار ساخته است.

از این رو، عقل حکم می کند به ضرورت یادگیری تعلیمات فرا بشری، در قالب مجموعه ای که از دخالت های ذهنی

انسان به دور باشـد و آن مجموعه باارزش، دین نام دارد، این تعلیمات باید از سوی وجودی با دانش مطلق و به دور از هرگونه نقص و خطا باشد تا انسان را در یافتن این حقایق، دستگیری و حیات او را معنادار و هدفمند نماید.

شبهه ای بر صحت برهان:

ممکن است اشـکال و سؤالی مطرح شود که در عصـر کنونی، برخی از مردم، بدون احساس نیاز به پاسخی صحیح و عالمانه به این پرسش ها و بی آنکه خود را درگیر کشف چنین حقایقی کنند؛ زندگی راحت و بی دغدغه ای دارند.

لذا چگونه می توان، ادعای وجود انگیزه ای درونی در وجود هرانسانی برای یافتن پاسخی قانع کننده به این پرسش ها نمود؟

پاسـخ آنکه؛ در ابتدای برهان گفتیم؛ در نهاد انسان، گرایش هایی است که وجود آن ها نه تنها نشانه تمایز انسان از غیر انسان می شود بلکه شدّت و ضعف این خواسته ها و تأثیر آنها بر رفتار آدمی، ملاک سنجشِ برتری و شایستگی افراد می باشد.

بی تردیـد کسـی که به خواسـته ها و گرایش های مقـدّس فطرت خویش، پاسخ مثبت داده و درصدد تقویت و توانمند ساختن این گرایش هاست، رفتارهایی ارزشـمند و سـتوده خواهد داشت و متقابلاً، کسی که نسبت به این گرایش ها بی اعتنا بوده و به آنها پاسخ منفی داده است، رفتارهایی خالی از ارزش و شایسـتگی خواهد داشت، هر چند که زندگی به ظاهر خوش و با لذّتی هم داشته باشد.

بنـابراین، تأثیر گرایش های مقـدّس در رفتارهای آدمی، بسـتگی به میزان توجّه انسان به این خواسـته ها و گرایش ها، دارد چه بسـا ممکن است کسـی در اثر بی توجّهی هـای مکرّر به این گرایش ها، نه تنها موجب تضـعیف بلکه زمینه خاموشـی و بی اثر شدن آنها را فراهم نماید و تمایلی

در وجود خود از گرایش های مقدّس احساس نکند.

چنین انسانی در واقع، حقیقت گوهرینی را در وجود خود از دست داده است در حالی که می توانست با حفظ آن، شایستگی ها و برتری ها را برای خویش پدیدار سازد.

بر این اساس، قبول داریم که برخی بدون کمترین مشغله فکری و احساس نیاز به بیانی صحیح و عالمانه در مورد حقایق چهارگانه؛ زندگی راحت و بی دغدغه ای دارند، و با محدود کردن وظایف خود در خور و خواب و خشم و شهوت، نظیر دیگر جانداران، چند صباحی را با شادی و لذّت سپری می کنند و در واقع چنین اشخاصی فقط شبیه انسان می باشند، امام علی علیه السلام درباره این گونه از انسانها فرمودند:

«الصُّورَهُ صُورَهُ انسانٍ وَالقَلبُ قَلبُ حیوانٍ، لَایعرِفُ بَابَ الهُدَی فَیَتَّبِعَهُ وَلاَ بَابَ العَمَی فَیَصُدَّ عَنه وَ ذلکَ مَیِّتُ الأحیاءِ»(۱)

صورتش به صورت انسان می ماند، اما در سینه اش قلب حیوانی می تپد. نه راه هدایت می شناسد تا پیروی کند و نه راه خطا و باطل را می داند که از آن بپرهیزد، در حقیقت او مرده ای است در میان زندگان.

انسانِ مورد بحث در این برهان، چنین افرادی نیست.

سخن در این برهان در مورد آنهایی است که میل به حقیقت را در وجود خویش از بین نبرده، بلکه خود را موجودی اندیشمند می دانند که هر لحظه در برابر انواع خواهش های درونی و مطالبات بیرونی، تلاش می کنند بهترین و درست ترین را انتخاب کنند و می کوشند با یافتن حقایق، درست ترین معیارها را در موضع گیری ها و انتخاب های خود اعمال نمایند.

در وجود چنین انسان هایی، گرایش به حقیقت خاموش نیست و دائم آنان را در تکاپوی کشف حقایق بر می انگیزاند و تا یافتن پاسخی قانع کننده، آرام و قرار

نمی گیرد.

برهان دوّم

اثبات ضرورت دین بر مبنای میل به جاودانگی در انسان اثبات «ضرورت دین» در این برهان بر اساس توجّه به دو ویژگی عمده انسان است؛ این دو ویژگی عبارتند از:

۱ - فرار از نیستی ها وحبّ بقا؛

اگر کسی که در جاده ای خاص در حال رانندگی است مطّلع شود که این مسیر نه تنها او را به هدف نمی رساند بلکه او را با خطرات جبران ناپذیری مواجه خواهد کرد، بی تردید، تمایلی برای ادامه مسیر نخواهد داشت.

همچنین اگر دانش آموزی با خبر شود که مدرسه تعطیل است وخبری از کلاس و درس نیست؛ بی گمان انگیزه ای برای رفتن به مدرسه در او نخواهد بود.

در واقع آنچه در انسان، انگیزه حرکت ایجاد می کند و در تحمّل سختی های مسیر او را استوار می دارد، هستی ها و بودن هاست.

بنابراین انسان در هرکاری، طالب هدفی است که بهره ای از «هستی» دارد. و به عبارتی دیگر انسان ذاتاً از «نیستی»ها گریزان است و با تمام توان می کوشد که همیشه با هستی ها همراه باشد.

به همین خاطر اگر کسی دائم خود را از رسیدن به هستی ها ناتوان و درمانده یابد و زندگی خود را سراسر ناکامی و از دست دادن بداند، سرانجام از زندگی خویش خسته و مأیوس می شود و ممکن است تصمیم بگیرد که به زندگی پر از نیستی خود پایان دهد به این خیال که بتواند خود را از محاصره «نیستی ها» و ناکامی ها نجات دهد.

در واقع چنین انسانی نمی خواهد خود را نیست و نابود کند؛ بلکه به خیال خود می خواهد خود را از «نیستی»ها نجات دهد.

پس انسان از نیستی ها گریزان است، خصوصاً از نیستی عزیزترین هستی خود.

۲ - دلبستگی انسان به شایسته ترین هدف؛

روشن

شـد که انسـان طـالب «هستی» است و از «نیستی» گریزان است. امـا ویژگی دوّمی نیز در نهاد انسان است که او را از حرکت به سمت هرنوع «هستی» باز می دارد.

این ویژگی انسان را وادار می کنـد که در صـدد شـناخت و رسـیدن به هـدفی باشـد که از هدف های دیگر شایسـته تر بوده و ارزش تحمّل زحمات و سختی های مسیر را داشته باشد.

براین اساس، انسان اقدام به سـنجش و ارزیابی اهداف کرده و بعد از تحقیق و پرس و جو، هدفی خاصّ را بر می گزیند وسعی می کند با دلائل و توجیهات گوناگون، تلاش ها و سـختی های رسیدن به هدف انتخابی خود را منطقی و عقلانی جلوه دهدو در وجود خویش، انگیزه و علاقه لازم برای حرکت به سوی آن را ایجاد کند.

بر اساس این دو ویژگی مهمّ، یعنی فرار از نیستی ها و طلب هدفی شایسته که امید به آن، تحمّل سختی ها و مرارت ها را سهل و گوار نماید، انسان نه تنها «نیستی» گریز و «هستی» گراست؛ بلکه هر هستی را نیز شایسته انتخاب و گزینش نمی داند، چرا که هر نوعِ هستی، ارزش تحمّل موانع و مشکلات فرا رویش را ندارد.

حال، آیا انسان با این دو ویژگی مهمّ که در دلبسـتگی هاو امیـدهای او تأثیرگذار و نقش آفرین اند؛ می تواند در محدوده این دنیا، دل بسـته و امیـدوارِ «هستی ای» باشـد که از ارزش واقعی برخوردار بوده و برای او در تحمّل سـختی ها و مرارت ها، اراده ای محکم و پایدار ایجاد کند؟!

انسان به کدامین هستی ناپایدار دنیا می تواند دل ببندد؟ مگر دنیا با هر آنچه که دارد فانی و گذرا نمی باشد؟

آیا انسانِ واقع نگر، با تمام وجود، دلبسته جاه و جبروت و شهرت دنیاییِ می شود

و آنگاه با تمام توان برای فتح سعی و تلاش می کند؟

آنان که با گذاردن مشکلات و تحمّل سختی ها، توانسته اند به هستی های دنیوی برسند چه تضمینی دارند که دوران مشکلات و نگرانی هایشان، همگی سرآمده است و با خیال راحت می توانند مدّعی شوند که به خواسته دل رسیده اند؟!

تردیدی نیست که دنیا با هر درجه و مقامش بی دغدغه و راحت در اختیار کسی نیست و آرامش چند روزه اش با انواع اضطراب ها ونگرانی ها درآمیخته است.

تردیدی نیست که دنیا، انسانِ دلبسته خود را در حسرت آسایش و آرامش واقعی، وامی گذارد و پس از مرگ در اوج تنهایی و غربت در بین خاک های گران، نیست می گرداند.

پس هرگز دنیا پاسخی برای انسانی که خواسته درونی وی رسیدن به هستی ها و دلبستگی های پایدار و ابدی است، ندارد.

دنیا نمی تواند دلخوشی حقیقی برای انسان به ارمغان آورد تا تحمّل مرارت ها و سختی های آن ارزش واقعی و ذاتی پیدا کند و از سوی دیگر نمی تواند پاسخی مناسب به حبّ بقاء آدمی داشته و هستی او را به طور دائمی تضمین نماید.

از این رو هرگز انسان واقع نگر خود را محدود به این دنیا نمی داند.

از منظر انسان واقع نگر در پس این دنیا، به طور حتم، وادی دیگری در انتظار است که از یک سو، ظرف مناسبی برای پاسخ به میل بقاء او می باشد، یعنی «ابدی و جاودانه» است واز سوی دیگر در بردارنده پاداش های ارزنده ای است که در خور تلاش های انسان بوده و می تواند آرامش حقیقی را برای او به وجود آورد.

انسان، بر اساس چنین باوری، می داند که دنیا جایگاهی موقّت و دالان عبور است و او حقیقتاً برای وادی دیگری است. لذا با تمام

وجود می خواهد که آن وادی را بشناسد، با شرایط و ویژگی های آن آشنا شود و بداند که برای دست یابی به آرامش های واقعی و پایدار آن چه باید کرد تا با انگیزه ای پایدار و شوقی مضاعف، فعالیت های خویش را به امید دستیابی به اهدافی ارزشمند و شایسته، سامان دهد.

اهمیّت کسب این آگاهی آن گاه بیشتر رخ می نماید که انسان آن وادی را بر خلاف دنیا فنا ناپذیر و ابدی بداند.

اما آیا انسان می تواند با اتّکاء به فهم و عقل محدود خویش از چگونگی حیات ابدی مطّلع شود؟! کدامین دانش پیشرفته می تواند به مجهولات و سؤالات انسان در مورد آن جهان پاسخی صحیح و قانع کننده دهد و گویای چگونگی تأثیر اعمال دنیوی در آن عالَم جاودانه باشد؟!

بنابراین، لازم است، خداوند حکیم که آگاه به این نیاز اساسی انسان است از طریقی مطمئن وی را از حقیقت حیات ابدی و چگونگی تأثیر اعمال دنیوی در آن عالم مطلع سازد و با ارسال مجموعه ای از معارف (دین) انسان را برای رسیدن به سعادتی پایدار راهنمایی کند. بدین ترتیب می توانیم به ضرورت «دین» که مشتمل بر چنین معارفی است واقف شویم.

برهان سوم

اثبات ضرورت دین بر مبنای نیاز انسان به زندگی اجتماعی مطلوب انسان موجودی است اجتماعی و در این ویژگی با حیوانات اجتماعی زیست، مشترک است، با این تفاوت که حیوانات اجتماعی زیست مصالح اجتماعی خود را به طور غریزی تشخیص می دهند و از روی غریزه به آن مصالح به طور کامل عمل می کنند، ولی انسان نه تنها از روی غریزه از مصالح اجتماعی خویش آگاه نیست بلکه به طور غریزی نیز تمایلی برای اجرای قوانین اجتماعی ندارد.

افزون

بر این حالت،انسان دارای دو ویژگی حبّ ذات و استخدام طلبی است، یعنی قبل از هر چیز به ذات خویش و منافع آن توجّه دارد و طالب است موجودات پیرامون را به نفع خود به خدمت گرفته و از آنها بهره برد.

این دو ویژگی موجب می شود که گرایش نخستین و اوّلی انسان، تأمین منافع فردی و مقدّم نمودن آنها بر مصالح جمعی باشد.

بنابراین انسان، نه تنها در تشخیص مصالح اجتماعی از هر گونه آگاهی غریزی بی بهره است و به طور غریزی مطیع هیچ قانون اجتماعی نیست، بلکه اگر هم با اتّکا به فهم و اندیشه محدود خویش و با استناد به تجارب گذشته اش قوانینی را برای سامان دادن به زندگی اجتماعی خود تدوین نماید به جهت دو ویژگی حبّ ذات و استخدام طلبی، تضمینی در عمل نمودن به قوانین و مصالح اجتماعی که خود تدوین کرده نخواهد داشت و به طور طبیعی در مواقع تزاحِم مصالح فردی با مصلحت های اجتماعی، آنچه در ابتداء مطلوبش واقع خواهد شد، منافع و مصالح فردی بوده و آنها را بر مصالح جمعی مقدّم خواهد دانست.

بدین ترتیب، انسان برای سامان دادن به حیات اجتماعی مطلوب، هم در تشخیص قانونی کارآمد و همچنین در اجرای چنین قانونی، مواجه با نقص و موانع شده و برای سامان دادن به زندگی اجتماعی مطلوب، لازم می داند که عاملی بیرونی او را مدد نماید.

به حکم عقل، این عامل بیرونی باید دارای ویژگی های خاصّی باشد،

۱ – شناخت کامل انسان.

۲ – تشخیص نحوه صحیح روابط انسان با دیگر موجودات و تأثیر این روابط در حیات اجتماعی او.

۳ – عدم لحاظ کمترین منافع فردی در تدوین قوانین.

۴ –

اطّلاع از حوادث آینده – دور یا نزدیک – تا قوانین به طور کامل تدوین یافته و انسان در برابر حوادث آینده آماده و مهیّا گردد.

۵ – توانایی ایجاد ضمانت اجرائی نیرومند.

ویژگی پنجم در صورتی حاصل و نتیجه ای مطلوب خواهد داشت که قانون گذار دارای علم کامل و مطلق باشد. زیرا همان طوری که اگر انسانِ مبتلا به بیماری صعب العلاج بعد از تحمّل درمان های سخت و طاقت فرسا معالجه شود با اینکه دانشِ پزشک را خطا پذیر می داند و یقین به صحیح بودن دستورات او ندارد؛ اما چون علم او را سرآمد تشخیص داده است به دستورات او اهمیّت زیادی قائل می شود و بدون آنکه ناظری بر رفتارها و عملکرد خود داشته باشد؛ برای حفظ سلامتی خویش، دستورات پزشک را مو به مو اجرا می کند؛ در مورد حیات اجتماعی نیز عاملی که انسان نحوه صحیح اجتماعی زیستن را یادآور می شود و دستوراتی در این راستا بیان می کند، اگر عِلمی کامل و بی عیب و خطا داشته باشد، خواهد توانست در افراد انگیزه ای قوی برای اجرای مصالح و قوانین اجتماعی ایجاد نماید. زیرا وقتی انسان برای بهبود اوضاع مزاجی و سلامت جسمانی خود، این گونه در برابر فرامین کسی که علم او را سرآمد دیگران می داند مطیع است؛ بی تردید برای سلامتی و بهبود اوضاع زندگی اجتماعی خود، در اطاعت از دستورات کسی که دارای «علم مطلق» است، انگیزه ای بسیار قوی خواهد داشت. لذا شرط پنجم برای عامل بیرونی در یاری انسان برای سامان دادن به زندگی اجتماعی مطلوب، داشتن علم مطلق است.

حال پرسش اصلی این است که آیا مجموع شرایط پنجگانه فوق، برای آحاد بشر قابل تحصیل

است؟!

آیا آحاد بشر، از ابتدای خلقت تا انتهای آفرینش یارای درک این معارف و تحصیل چنین علوم فراگیر و نیز تربیت افرادی با انگیزه ای درونی برای اطاعت از فرامین و مصالح اجتماعی را خواهند داشت؟!

به فرض که قائل شویم، بشر در نهایت، بعد از تکرار خطاها و پشت سر گذاشتن تجارب ناموفق و نتیجه گیری های ناصحیح؛ بتواند به یکسری معلومات نسبتاً فراگیر و همه جانبه دست یابد؛ سؤال آن است که چه میزان از نسل بشر، برای کسب تجربه و پیاده کردن آزمون های ناموفق، باید قربانی شوند و در واقع کدام گروه، از انسان های عاقل و واقع بین، حاضرند که خود را داوطلب این گردونه چند هزار ساله آزمون و خطای قانون نویسان خطاگر بشری نمایند؟

واقعیّت این است که هرگز جوامع انسانی به دانشی جامع و همه جانبه که احاطه کامل بر این معلومات را داشته باشد نخواهند رسید و به همین جهت، معمولاً افراد به راحتی حاضر نمی شوند منافع فردی خویش را به خاطر قوانینی که صرفاً برخاسته از تدوین بشری است، به مخاطره افکنند بلکه تنها به خاطرنظارت ها وکنترل های شدید اجتماعی و در نهایت برای حفظ منافع فردی است که افراد حاضر به اطاعت می شوند.

بدین ترتیب معلوم می شود که فقط، هستی بخش عالَم را شایسته است که بر اساس «علم مطلق» خویش، اقدام به وضع قوانینی کارآمد و مطلوب برای حیات اجتماعی بشر نموده و انگیزه ای تزلزل ناپذیر و پایدار جهت اجرای این قوانین، در وجود انسان ایجاد نماید.

همان خالقی که از یک سو؛ بر اسرار هستی انسان احاطه کامل دارد، بر مصلحت انسان در چگونگی روابطش با موجودات پیرامون او اشراف دارد، و بی نیازی

مطلق اش، او را از تأمین منافع فردی مصون نموده و فرامینش را صرفاً در راستای تأمین منافع انسان قرار می دهد.

همو که احاطه کاملش بر پیشامدها وحوادث آینده، قوانین اش را بی نیاز از بازنگری و اصلاح می نماید.

و از سوی دیگر؛ به خاطر علم مطلق و آگاهی بی نهایت اش می تواند انگیزه ای قوی در انسان ایجاد و او را مقیّد به قوانین و فرامین خویش نماید، هم اینطور که می تواند با بیانِ نتایج درخشان عمل به این قوانین و صدمات سرپیچی از آنها، انگیزه انسان را در مقام عمل بسیار قوی تر نماید.

آری به حکم عقل، ضروری است که از ناحیه خداوند علیم و قدیر که جز او کسی شایسته دستگیری انسان نیست؛ مجموعه ای از قوانین، جهت سامان یافتن حیات اجتماعی بشر، تدوین یابد. و از طریق انسان هایی که با تربیت های خاص الهی به کمال انسانی رسیده اند، برای جوامع بشری ارزانی شود، و همان انسان های برجسته، عهده دار اجرای احکام الهی شوند.

شایان توجّه آن که مجموعه قوانینی که از سوی خداوند متعال خصوصاً برای سامان دادن به زندگی اجتماعی مطلوب، ارزانی می شود ضروری است که کلّی و در صدد ارائه چارچوب ها بوده باشد، زیرا لازمه بیان تمام قوانین جزئی که به تدریج و در طول تاریخ، زمینه نیاز و اجراء آنها پیدا می شود نه تنها تدوین میلیون ها جلد منابع احکام و قوانین بوده و برای اعصاری که هنوز این حوادث به وقوع نپیوسته است، امری لغو و بیهوده به شمار خواهد آمد؛ بلکه چنین امری به معنای تعطیلی عقلِ بشری و متروک شدن این توان ارزنده الهی خواهد بود.

از این رو به طور یقین، قوانین الهی، در راستای تبیین چارچوب ها،

اصول و خط مشی های کلّی می باشند؛ تا انسان ها با اتّکاء به آن اصول، احکام و قوانین لازم را در پیش آمدها و شرایط مختلف به نحو صحیحی استنباط و استخراج نمایند.

و از آنجا که انسان های عادی در ایفای چنین رسالت خطیری ممکن است دچار خطا شوند، وجود انسان های کاملی که خود متّصل به منبع علم الهی بوده و مصون از لغزش می باشند، به عنوان نهایی ترین مرجع، برای رفع اختلافات در تطبیق اصول کلی الهی بر حوادث و پیش آمدها، لازم و ضروری می باشد. این افراد مسلماً انبیاء الهی و ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

ائمه معصومین علیهم السلام خود در بیان رسالت خویش در این رابطه می فرمودند:

«إنما علینا أن نُلقِی إلیکم الأصول و علیکم أن تُفَرِّعُوا»(۲)

وظیفه ما بیان اصول و کلیات است و برعهده شماست که با تکیه به این اصول، فروعات و جزئیات را در موارد خاص بدست آورید.

برهان چهارم

اثبات ضرورت دین براساس توجّه انسان به هدف غایی و لزوم دستیابی به آن از ویژگی های اساسی انسان عبارتند از:

الف)ویژگی ادراک یا شناخت بر اساس این ویژگی انسان به دو نوع آگاهی دست می یابد؛

۱ – آگاهی از هستی ها.

۲ –آگاهی از بایدها ونباید ها.

ب)ویژگی میل یا گرایش

انسان دارای دو دسته امیال و گرایش است:

۱ – امیالی که مشترک با حیوانات است و امیال غریزی خوانده می شوند.

۲ – امیال مختص به انسان که امیال فطری نامیده می شوند.

چگونگی فعالیّت ویژگی های شناخت و گرایش در وجود انسان بدین ترتیب است که انسان براساس ویژگی نخست و با تکیه بر بدیهیات و امور یقینی خود، به یکسری معلومات به نحو کلّی پی می برد؛ نظیر اینکه می فهمد زندگی آبرومندانه برای او مطلوب

هست، یا انسان های عاقل خود را از خطرات حفظ می کنند، یا سپاس گذاری از کسی که به او نیکی کرده نشانه فضیلت انسانی است.

بدین ترتیب انسان با داشتن ویژگی شناخت به برخی حقایق به نحو کلّی دست می یابد، اما نمی تواند مصداق آن امور کلّی را به نحو دقیق و غیرقابل تردید، تعیین کند لذا تلاش می کند با تحقیق و پرس و جو به مصادیق آن کلیات پی ببرد.

به عنوان مثال اگر ما به مهمانی در شهری دور از محلّ زندگی خود دعوت شویم، عقل درک می کند که آداب و رسوم آنجا را باید مراعات و به نحو مطلوبی از میزبان سپاسگزاری کنیم، اما مصداق آداب معاشرت در فرهنگ این شهر چیست و اینکه چگونه می توان سپاسگزار میزبان شد؟ تردید داریم و نمی توانیم با اتّکا به فهم خود تشخیص دهیم. بنابراین باید از دیگران بپرسیم که آداب و رسوم این شهر چیست و چگونه از همدیگر سپاسگزاری می کنند.

مثال دیگر؛ دانش آموزی بعد از سپری کردن دوره دبیرستان به فکر آینده است و در این اندیشه که زندگی راحت و آبرومندانه ای داشته و برای جامعه سودمند باشد؛ در واقع او می فهمد که چنین هدفی مطلوب اوست امّا نمی تواند فقط با تکیه بر استدلال های ذهنی خود مسیر، خاصّی را تعیین کرده و آن را رمز موفقیّت و پیروزی بداند لذا باید از دیگران کسب اطلاعات کند و در تعیین مصداق از تجربیات دیگران بهره مند شود.

بنابراین یکی از مشکلات عمده انسان، تشخیص درست مصداق هاست و بدین منظور لازم است از اطلاعات و منابعی که بتواند او را به نحو شایسته ای راهنمایی کنند، استفاده کند؛ و در این کار باید

دقت کند که هرگونه سهل انگاری و اعتماد بر اطلاعات سطحی و نادرست ممکن است انسان را دچار خطا کرده و به کاری مخاطره آمیز یا لااقل بی فایده وادارد.

اگر انسان، در حدّ اطمینان یا ظنّ قوی به درستی مصداقی خاص پی برد؛ سپس نوبت به ارزش گذاری اعمال می رسد.

در این مرحله، انسان با در نظر گرفتن هدفِ شناخته شده، درستی و نادرستی کارهای خویش را معیّن می کند، و سعی می کند به طور عاقلانه و با پرهیز از افراط و تفریط، باید و نبایدهایی را برای خود ترسیم نماید تا بدین وسیله مسیر درستی را برای نیل به هدف و کسب مصداق شناخته شده خود بپیماید.

همزمان با ارزش گذاری اعمال و عمل به بایدها و نبایدها، تمایلات غریزی، انسان را دچار کشمکش های درونی می کند، زیرا از یک سو، انسان در صدد است تا براساس بایدها و نبایدهایی که تشخیص داده نظم خاصی به رفتارهای خود داده و کارهایی را انجام و برخی دیگر را ترک کند و به خواهش های طبیعی وغریزی مطابق با شرایط کنونی، توجه کند و از سوی دیگر، تمایلات غریزی خصوصاً وقتی که با پاسخ های گوناگون محیطی مورد تقویت و تأیید قرار می گیرند، هیچ حدّی را بر نمی تابند و انسان را تا حدّ اشباع دعوت به ارضاء می کنند.

در حقیقت انسان با دو دغدغه عمده مواجه می شود؛ یکی مصلحت دستیابی به هدفی شناخته شده و لزوم پیمودن مسیری درست برای دستیابی کامل و بی عیب و نقص به آن هدف و دیگری دعوت های سیری ناپذیر غرایز و نیازهای طبیعی.

این کشمکش درونی، علاوه بر اینکه ممکن است انسان را در تشخیص درست بایدها و نبایدها و ارزش گذاری

صحیح اعمال، دچار تردید و خطا نماید و او را از توجه همه جانبه به ابعاد مختلف هدف باز دارد؛ بلکه می تواند در مقام عمل وی را مجبور به عقب نشینی کرده و از ادامه راه مأیوس و منصرف سازد.

فرض کنید، دانش آموز مورد مثال که در صدد ترسیم آینده اش بود، بر اساس تحقیقات و مشورت با دیگران، فهمید که مصداق زندگی مطلوب و آرمانی او، کسب مدارج عالی علمی است، این جوان در پی چنین شناختی، تلاش می کند که بایدها و نبایدهای خاصی را ترسیم نموده و میزان درستی و نادرستی رفتارهای خویش را تعیین کند.

وی به طور عمده با سه مشکل اساسی مواجه است؛ نخست آنکه چون صحت این هدف را نه با تکیه بر بدیهیات عقلی، بلکه با بهره گیری از اطلاعات پیرامون خود کسب کرده است، نمی تواند به طور حتم، اذعان به صحت آن نماید و همین امر ممکن است عاملی برای تردید و ضعف انگیزه در وی شود.

دوم آنکه، تشخیص صحیح راه و پرهیز از افراط و تفریط در هنگام تعیین بایدها ونبایدها و ارزش گذاری اعمال است.

و مشکل اساسی سوم، اینکه چون اطاعت از این بایدها و نبایدها با طبیعت جوانی او چندان سازگار نیست؛ در عمل با موانع و مشکلاتی خصوصاً وقتی که محیط پاسخ های گوناگونی برای تمایلات غریزی او فراهم نموده است روبه رو می شود.

با این توضیحات روشن می شود که انسان در تعیین هدف و رسیدن به آن از سه جهت، دچار نقص و محدودیت بوده و احتمال لغزش در او وجود دارد:

۱ – محدودیّت در تشخیص صحیح و درست مصادیقِ امور مطلوب و عدم اطمینان از

کسب شناختی بی عیب و نقص.

۲ – محدودیّت در تشخیص بایدها و نبایدها و تعیین صحیح میزان مطلوبیت افعال در سنجش با هدف.

۳ – محدودیّت و لغزش در فائق آمدن بر کشش های غریزی که انسان را وادار به خروج از چارچوب بایدها و نبایدهایی می کند که برای اعمال خود ترسیم کرده است.

حال انسان واقع نگر وقتی خود را برای دست یابی به اهداف عادی زندگی، نظیر آنچه که در مثال فوق مطرح کردیم، این گونه مواجه با موانع و مشکلات جدی می بیند؛ در مورد هدف نهایی – که به خاطر آن آفریده شده و رسیدن به آن را مهمّ ترین دغدغه خود می داند – به طور حتم این نگرانی را دارد که اولاً چگونه قادر خواهد بود که آن هدف اصلی را به نحو شایسته و صحیح بشناسد و ثانیاً در رسیدن به آن، بهترین و امن ترین راه را انتخاب و با صلابت به سمت آن حرکت نموده و موانعِ غریزی و محیطی را از پیش رو بردارد؟ این در حالی است که با اتّکا به فهم خود یا تجارب افرادی نظیر خود، نه می تواند مصداق آن هدف متعالی را به طور دقیق تعیین کند و نه می تواند مسیر رسیدن به آن را به دقّت معیّن نماید و نه می تواند کشش های غریزی خود را به نحوی که لازم است، کنترل کند.

لذا در نظر انسان واقع نگر، خداوند که انسان را برای غایتی مهمّ – که جز سعادت حقیقی نیست – آفریده و از چیستی آن آگاه است؛ اگر او را از یک سو در شناخت حقیقیِ هدف، راهنمایی نکرده و به حال خود رها کند و از

سوی دیگر در مقام عمل و تعیین درستی و نادرستی کارها و تشخیص بایدها و نبایدهایی که می تواند انسان را به آن مقصد حقیقی رهنمون شوند، توصیه هایی در اختیار او قرار ندهد و در مورد مضرّات توجّه بی حدّ و اندازه به گرایش های غریزی و نحوه ارضاء صحیح آنها او را آگاه نکند؛ آفرینش خداوند کاری لغو و عبث خواهد بود.

اما عقل حکم می کند که آفریدگارِ انسان - که به یقین حکیم مطلق است و عاری از هر گونه «جهل، ترس، بخل و ضعف» است و بر تمام ضعف ها و نقص های انسان در راه یابی به سعادت واقعی واقف است و می تواند او را در نیل به خوشبختی پایدار، دست گیری نماید - به طور حتم او را هم در پی بردن به مصداق حقیقی سعادت، دست گیری می کند و هم در فهم بایدها ونبایدهایی که انسان را به سعادت می رساند، هدایت نموده و در کنترل و فائق آمدن بر گرایش های غریزی که گاه بواسطه پاسخ های محیطی به شدت مورد تقویت می باشند؛ او را راهنمایی می نماید.

بدین ترتیب عقل ضروری می داند که از ناحیه خداوند، مجموعه ای از معارف که در بردارنده این شناخت ها بوده باشد، در اختیار انسان قرار گیرد. یعنی عقل فرستادن مجموعه ای به نام «دین» را از ناحیه خداوند ضروری می داند.

برهان پنجم

اثبات ضرورت دین بر اساس تکامل اختیاری انسان در این برهان توجه به مقدمات سه گانه زیر ضروری است:

مقدمه اول: هر موجودی در مسیری خاص، در حال تکامل است و انسان نیز مسیر ویژه ای برای تکامل دارد.

مقدمه دوم: طیّ مسیر تکاملی در انسان به صورت غریزی، مانند دیگر جانداران نیست بلکه به واسطه افعال اختیاری

او می باشد.

مقدمه سوم: طیّ مسیر تکاملی از روی اختیار، منوط به شناخت دقیق مسیر است وشناخت های عادی ومتعارف انسان که از همکاری حس و عقل حاصل می شود؛ برای تعیین صحیحِ مسیرِ تکامل، کافی نیست؛ چرا که به حکم عقل حصول چنین شناختی در گرو داشتن ویژگی های زیر می باشد:

۱ - اشراف کامل بر ویژگی های انسان اعم از روحی و جسمی.

۲ - اشراف کامل بر شرایط حیات اجتماعی انسان و نحوه صحیح رابطه با همنوعان.

۳ - توان تنظیم صحیح رابطه انسان با خود و طبیعتِ پیرامون وآفریدگار عالم وآگاهی از چگونگی تأثیرات این روابط، بر سیر تکاملی انسان.

۴ - آگاهی ازمصلحت های واقعی انسان وتوان تشخیص مصلحت مهمّ تر درمواقع تزاحم مصلحت ها.

در مورد ویژگی چهارم گفتنی است که چون مسیر تکامل انسان داری مقاطعی است و درنگ در هریک از این مقاطع و بهره مندی از آنها به مقداری که انسان را از ادامه سفر و رسیدن به مراتب بالاتر باز ندارد، به مصلحت انسان است؛ و از آنجا که انسان به کلّ مسیر، اشراف کامل نداشته و نمی تواند میزان صحیح و واقعی این مصلحت ها را تشخیص داده و به مصلحت اهم، در مواقع تزاحم مصلحت ها به طور کامل واقف شود؛ لازم است: اولاً ـ برای او، میزان مصلحت هر یک از مقاطع سفر روشن شود و ثانیاً در مواقع تردید و تزاحمِ مصلحت ها، از مصلحت اقوی و مهمّ تر با خبر گردد.

به عبارتی دیگر انسان در سیر تکاملی خود می بایست، گام به گام، پله های ترقی را طی کند و در هر یک از مراحلِ پیشرفت و ترقی، لازم است که توشه لازم را برای رسیدن به مراحل بعدی اخذ نماید،

بـدین منظور در ابتـدا بایـد از میزان توشه ای که بایـد در هر مرحله انـدوخته و خود را برای صـعود به مرحله بعدی آماده کند، آگاهی بیابد، و ثانیاً به گونه ای از مصلحت و چگونگی مراحل بعدی آگاه شود که مصلحت و بهره نقد و کافی در هر مرحله، او را از توجّه به مصلحت ها و بهره های مراحل بعدی غافل نسازد.

بنابراین، برای شناخت دقیق مسیر تکامل، احراز چهار شرط اساسی لازم و ضروری است.

اما به طور مسلّم، انسان قادر نیست که مجموع این شرایط را از طریق ابزارهای معرفتی خود، یعنی حسّ و عقل دریابد.

انسان قادر نیست که بر ویژگی های روحی وجسمی خویش به طور کامل اشراف داشته باشد.

انسان قادر نیست که بر نحوه صحیح رابطه خویش با همنوعان اشراف کامل پیدا کند.

انسـان هرگز قـادر نیست تنظیمی صـحیح و رابطه ای درست،نسـبت به خود و طبیعتِ پیرامون و آفریـدگار عالم ایجاد نمایـد و توان آگاهی از چگونگی تأثیرات این روابط بر سیر تکاملی خود را ندارد.

انسـان قـدرت شـناخت کامـل بر کلّ مسـیر تکامل را نداشـته و میزان مصـلحت و بهره هریک از مقاطع را به درستی نمی تواند تعیین کند.

از این رو مقتضـای حکمت خداونـد آن است که راه دیگری ورای حسّ و عقـل برای شـناخت همه جانبه ویژگی ها و شـرایط مسیر تکامل انسان، در اختیار بشر قرار دهد و از آن طریق وی را در این امر مهمّ یاری نماید. و آن همان راه وحی است که در اختیار انبیاءعلیهم السلام می باشد.

بـدین ترتیب، لزوم ارسـال انبیـاء که آنان با بهره گیری از آموزه های وحیانی ودر قالب مجموعه ای از معارف (دین)، هـدایت گر بشر در رسیدن به تکامل واقعی می باشند

استنباط می شود.

جمع بندی ونتیجه گیری

۱. فطرت حقیقت جوی انسان همواره در جست و جوی پاسخی عالمانه و دقیق در مورد حقیقتِ «انسان»، «مبدأ»، «وظایف» و «فرجام» خویش است و آشنایی درست با این حقایق از نیازهای فطری و ضروری انسان می باشد، امّا پاسخ های ناشی از فهمِ محدود انسان نارسا و ناتمام است و هرگز نمی تواند فطرت حقیقت جوی انسان را قانع کند.

البته این نیاز فطری در مورد انسان هایی است که میل به حقیقت را در وجود خویش از بین نبرده، و خود را موجودِ اندیشمندی می دانند که هرلحظه در برابر انواع خواهش های درونی و مطالبات بیرونی، می خواهند بهترین و درست ترین را انتخاب کنند و می کوشند با یافتن حقایق، موضع گیری ها و انتخاب های خود را با صحیح ترین معیارها منطبق نمایند. در وجود چنین انسان هایی، گرایش به حقیقت خاموش نیست و دایم آنان را در تکاپوی کشف حقایق برمی انگیزاند و تا یافتن پاسخی قانع کننده، آرام و قرار نمی گیرد.

۲. دو ویژگی انسان یعنی هستی گرایی و طلب هدفی ارزنده که امید به آن تحمل سختی ها و مرارت های زندگی را برای انسان سهل و گوارا نماید، و تهی بودن حیات دنیوی از پاسخی شایسته به این دو نیاز اساسی، هر انسان واقع نگری را به وجود حیاتی دیگر واقف می سازد. حیاتی که از یک سو به جهت ابدی و جاودانه بودنش ظرف مناسبی برای پاسخ به هستی طلبی ومیل به بقاء انسان می باشد و از سوی دیگر به جهت پاداش های ارزنده اش، سزاوار دلبستگی انسان بوده و امیدِ دست یابی به آن آرامش حقیقی را برای او به ارمغان می آورد.

انسانِ واقع بین با چنین باوری، با تمام وجود می خواهد آن وادی را بشناسد، با شرایط

و ویژگی های آن آشنا شود و بداند که برای دست یابی به آرامش واقعی و پاداش های گران سنگ آن چه باید کرد.

امّا انسان هرگز با اتکا به فهم و عقل محدود خویش از چگونگی چنین حیاتی نمی تواند مطلع شود.

۳. انسان موجودی است اجتماعی، امّا نه تنها در تشخیص مصالح اجتماعی از هرگونه آگاهی غریزی بی بهره است و به طور غریزی مطیع هیچ قانون اجتماعی نیست، بلکه اگر هم با اتکا به فهم و اندیشه محدود خویش و با استناد به تجارب گذشته اش قوانینی را برای سامان دادن به زندگی اجتماعی خود تدوین نماید به جهت دو ویژگی «حب ذات» و «استخدام طلبی» تضمینی در عمل نمودن به قوانین و مصالح اجتماعی که خود تدوین کرده است نخواهد داشت و به طور طبیعی در مواقع تزاحمِ مصالح فردی با مصلحت های اجتماعی، آنچه در ابتداء مطلوبش واقع خواهد شد، منافع و مصالح فردی بوده و آنها را بر مصالح جمعی مقدم خواهد نمود.

بدین ترتیب، انسان برای سامان دادن به زندگی اجتماعی مطلوب لازم می داند که عاملی بیرونی او را مدد رسانده و چارچوب ها و خط مشی های صحیح و اصولی را برای حیات اجتماعی انسان ترسیم نماید. به حکم عقل، این عامل بیرونی باید دارای ویژگی های خاصی باشد، از قبیل: «شناخت کامل انسان»، «تشخیص نحوه صحیح روابط انسان با دیگر موجودات و تأثیر این روابط در حیات اجتماعی او»، «عدم لحاظ کمترین منافع فردی در تدوین قوانین»، «اطلاع از حوادث آینده دور یا نزدیک تا قوانین به طور کامل تدوین یافته و انسان در برابر حوادث آینده آماده و مهیا گردد» و «توانایی ایجاد ضمانت اجرایی نیرومند».

واقعیت آن است

که آحاد بشر، از ابتدای خلقت تا انتهای آفرینش، با اتکا به ابزارهای معرفتی خویش یارای درک این معارف و تحصیل چنین علوم فراگیر و نیز تربیت افرادی با انگیزه ای درونی برای اطاعت از فرامین و مصالح اجتماعی را نخواهند داشت.

۴. انسان به طور معمول در تعیین اهداف زندگی و رسیدن به آنها از سه جهت دچار نقص و محدودیت بوده و احتمال لغزش در او وجود دارد:

الف) در تشخیص صحیح و درست مصادیقِ امور مطلوب و اطمینان از کسب شناختی بی عیب و نقص.

ب) در تشخیص بایدها و نبایدها و تعیین میزان مطلوبیت کارها در سنجش با هدف.

ج) در فایق آمدن برکشش های غریزی که انسان را به خروج از چارچوبِ بایدها و نبایدهایی وامی دارد که برای رسیدن به اهداف شناخته شده بر اعمال خود ترسیم کرده است.

این محدودیت ها برای انسان واقع نگر، در مورد هدف نهایی که به خاطر آن آفریده شده و رسیدن به آن مهم ترین دغدغه اوست به طور حتم این نگرانی را ایجاد می کند که اولاً چگونه قادر خواهد بود با درکِ محدود و خطاپذیرش، هدف نهایی را به نحو شایسته و صحیح بشناسد و ثانیاً در رسیدن به آن، بهترین و امن ترین راه را انتخاب و با تعیین بایدها و نبایدهای صحیح براعمال خود با صلابت به سمت هدف حرکت نموده و موانعِ غریزی و محیطی را از پیش رو بردارد؟

۵. طی مسیر تکاملی در انسان به صورت غریزی، مانند دیگر جانداران نیست بلکه به واسطه افعال اختیاری او می باشد، و طی مسیر تکاملی از روی اختیار، منوط به شناخت دقیق مسیر است. امّا شناخت های عادی و متعارف انسان که از

همکاری (حسّ و عقل) حاصل می شود؛ برای تعیین صحیح مسیرِ تکامل کافی نیست؛ زیرا به حکم عقل حصول چنین شناختی در گرو شرایطی است، از قبیل: «اشراف کامل بر ویژگی های انسان اعم از روحی و جسمی»، «اشراف کامل بر لوازم حیات اجتماعی انسان و نحوه صحیح رابطه با همنوعان»، «توان تنظیمِ صحیح رابطه انسان با خود و طبیعتِ پیرامون و آفریدگار عالم وآگاهی از تأثیرات این روابط، بر سیر تکاملی انسان» و «آگاهی از مصلحت های واقعی انسان و توان تشخیص مصلحت مهم تر در مواقع تزاحم مصالح» به طور مسلم، انسان قادر نیست که مجموع این شرایط را از طریق ابزارهای معرفتی خود، یعنی حسّ و عقل در یابد.

حال با توجه به موارد پنج گانه فوق، که هریک به نوعی درصدد بازنمایی نارسایی ابزارهای معرفتی (حسّ وعقل) در ابعاد مختلف می باشند؛ ثابت می شود که «دین» به عنوان مجموعه معارفی از سوی خداوند، که در بردارنده رهنمودها و راهکارهای مطمئن و خطاناپذیر برای تکمیل وجبران نقایص معرفتی بشر می باشد جایگاهی بی بدیل و جایگزین ناپذیر داشته و کنار نهادن آموزه های آن از عرصه های فردی و اجتماعی انسان، اندیشه ای باطل و بی اساس می باشد، و نمی توان ادعا کرد که به هر میزان متفکران و اندیشمندان در سایه رشد علمی و عقلی به نیازهای بشر پاسخ داده و مشکلات او را از طریق راه حلّ های روان شناختی و جامعه شناختی حل می کنند، عرصه دین تنگ تر و محدودتر می شود.

بنابر این نمی توان دورانی فرض کرد که راهکارهای دینی در زمینه های مختلف، متروک و شیوه های بشری جایگزین آن شده و انسان مستقل از هدایت های فرا بشری، امور خود را تدبیر کند. بلکه شیوه ها

و راه کارهای ارزنده بشری که محصول تجارب گذشته و پیشرفت علوم و فنون در زمینه های مختلف می باشد لازم است در چارچوب دستورات دینی و با حفظ حریم الهی، یاری گر انسان در پیمودن مسیر سعادت و رستگاری واقعی بوده باشد.

فهرست کتاب های انتشارات مسجد مقدّس جمکران

دعا و نیایش و نماز

نام کتاب قیمت آداب و اعمال زیارتگاه در سوریه ۷۰۰۰

ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام ۲۰۰۰

ارتباط با خدا

۶۵۰۰

از خدا چه بخواهیم ۵۰۰۰

اهمیت اذان و اقامه ۶۰۰۰

اهمیت نماز جمعه و آداب آن از دیدگاه امام علی علیه السلام ۳۰۰۰

ترجمه حدیث عنوان بصری ۱۰۰۰

ختم سوره های یس و واقعه ۵۰۰۰

دستوراتی از قرآن ۲۸۰۰۰

ربیع الاسابیع ۲۵۰۰۰

زیارت ناحیه مقدّسه ۴۵۰۰

فضیلت خواندن سوره های قرآن(مشکاهالانوار)

۱۵۰۰۰

گنجینه نور و برکت ۴۵۰۰

نماز شب ۱۰۰۰

هدیه احمدیه ۱۲۰۰

هدیه احمدیه ۳۵۰۰

تاریخ مسجد مقدّس جمکران نام کتاب قیمت آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدّس جمکران ۶۰۰۰

تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)

۵۰۰۰

تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)

۲۵۰۰

مسجد مقدس جمکران تجلّیگاه صاحب الزمان علیه السلام ۱۵۰۰۰

پیامبرصلی الله علیه وآله نام کتاب قیمت اوصاف الرسول (اسامی و القاب)

۱۶۰۰۰

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشنونت طلبی ۲۵۰۰

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری ۲۰۰۰

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد

۳۰۰۰

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن ۴۵۰۰

پیامبراعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی ۲۵۰۰

تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم (دو جلد)

۶۵۰۰۰

چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله ۴۵۰۰

حکومت بر دل ها اولین و آخرین خطبه پیامبرصلی الله علیه وآله ۶۰۰۰

راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله ۵۰۰۰

روزشمار تاریخ پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله ۱۰۰۰۰

محمد رسول اللّٰه ۴۰۰۰

امام علی و حضرت زهراعلیهما السلام نام کتاب قیمت امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام ۱۵۰۰۰

با اولین امام در

آخرین پیام ۳۵۰۰

تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام (دو جلد)

۹۰۰۰۰

علی علیه السلام مروارید ولایت ۲۵۰۰

حکومت و رهبری از منظر نهج البلاغه ۱۰۰۰۰

فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام ۱۳۰۰۰

مام فضیلت ها

۳۰۰۰۰

امام حسین علیه السلام نام کتاب قیمت از زلال ولایت ۱۶۰۰۰

تاریخ سید الشهداءعلیه السلام ۵۵۰۰۰

حکمت های جاوید

۱۳۰۰۰

خزائن الاشعار (مجموعه اشعار)

۴۸۰۰۰

در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم)

۵۸۰۰۰

دلشده در حسرت دیدار دوست ۳۵۰۰

رسول ترک (آزادشده امام حسین علیه السلام)

۱۲۰۰۰

سحاب رحمت ۶۳۰۰۰

عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی ۲۲۰۰۰

منشور نینوا

۴۸۰۰۰

نهج الکرامه

۲۰۰۰۰

یاران باوفا و شهیدان بی همتا

۳۵۰۰

اهل بیت علیهم السلام نام کتاب قیمت آخرین خورشید پیدا

۶۵۰۰

امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان ۸۵۰۰

پرچمدار نینوا

۱۶۰۰۰

پیشوایان معصوم (زندگینامه چهارده معصوم)

۴۵۰۰۰

دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور)

۱۰۰۰۰

شرح زیارت جامعه کبیره(ترجمه الشموس الطالعه)

۵۸۰۰۰

عمه سادات ۶۵۰۰

کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار)

۴۵۰۰

ماه مدینه ۴۰۰۰

ویژگی های حضرت زینب علیها السلام ۲۵۰۰۰

امام مهدی علیه السلام نام کتاب قیمت آخرین پناه ۶۰۰۰

آن آشنا آمد

۳۰۰۰

آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم)

۱۵۰۰۰

ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام ۱۵۰۰۰

امامت، غیبت، ظهور

۶۵۰۰

امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام ۵۰۰۰

امام مهدی در کلام امام علی علیهما السلام(چهل حدیث)

۲۰۰۰

امید آخر

۵۰۰۰

انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام ۱۳۰۰۰

انتظار بهار و باران ۳۰۰۰

انتظار چیست؟ منتظر کیست؟

۴۰۰۰

انتظار و انسان معاصر

۴۰۰۰

اوصاف المهدی (اسامی و القاب)

۱۵۰۰۰

اولین های مهدویت ۴۵۰۰

او هرجا که هست مرا دوست دارد

۳۰۰۰

بامداد بشریت ۱۱۰۰۰

پایان انتظار

۵۵۰۰

پرچم هدایت ۱۳۰۰۰

تشرف یافتگان (دفتر اوّل)

۷۵۰۰

تشرف یافتگان (دفتر دوم)

۹۰۰۰

تشرف یافتگان (دفتر سوم)

۷۰۰۰

تشرف یافتگان (دفتر چهارم)

۷۰۰۰

تکالیف بندگان نسبت به امام زمان علیه السلام ۲۴۰۰۰

ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی ۵۸۰۰۰

تمنای وصال ۳۵۰۰

جزیره خوشبختی ۳۰۰۰

جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام ۹۵۰۰

چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام ۶۰۰۰

چگونه امام زمان علیه السلام را یاری کنیم؟

۶۰۰۰

حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت ۲۱۰۰۰

خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب)

۱۲۰۰۰

خوشه های طلایی (مجموعه اشعار)

۱۶۰۰۰

دارالسلام ۳۵۰۰۰

داستان هایی از امام زمان علیه السلام ۲۰۰۰۰

داغ شقایق (مجموعه اشعار)

۸۵۰۰

در آسمان عشق

۳۵۰۰

در جستجوی نور

۴۵۰۰

ذخیره خدا

۲۵۰۰

ذکر نور در حضور مشتاقان ظهور

۲۴۰۰۰

زمان و مکان دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام ۹۰۰۰

سخنرانی مراجع در مسجد جمکران ۴۰۰۰

سرود سرخ انار

۵۰۰۰

سقا خود تشنه دیدار

۲۰۰۰

سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی ۱۵۵۰۰

سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام ۹۵۰۰۰

سیمای مهدی موعود در آئینه شعر فارسی ۱۸۵۰۰

شرح چهل حدیث حضرت مهدی علیه السلام ۷۰۰۰

شناخت حقوق و مراحم حضرت مهدی علیه السلام ۵۰۰۰

صبح فرا می رسد

۶۰۰۰

صفای دل ۶۵۰۰

ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه ادیان ۳۸۰۰۰

العبقری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان ۴۲۰۰۰۰

عریضه نویسی ۸۰۰۰

عطر سیب ۳۵۰۰

عطر یاس ۷۵۰۰

علی علیه السلام و پایان تاریخ ۱۱۰۰۰

فریادرس ۵۵۰۰

فوز اکبر

۹۰۰۰

کرامات المهدی علیه السلام ۵۵۰۰

کرامت های حضرت مهدی علیه السلام ۱۰۰۰۰

کلمات قصار امام زمان علیه السلام ۹۰۰۰

کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد)

۱۰۰۰۰۰

گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار)

۳۰۰۰۰

گفتمان مهدویت ۱۵۰۰۰

گوهرهای ناب در کلام امام زمان علیه السلام ۲۸۰۰۰

مسافر گمشده ۲۰۰۰

مفرد مذکر غائب (نمایشنامه)

۵۰۰۰

مکیال المکارم (دو جلد)

۷۲۰۰۰

منجی موعود از منظر نهج البلاغه ۴۰۰۰

مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات ۱۰۰۰۰

مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی ۱۸۰۰۰

مهدی موعود در کلام پیامبر محمود

۵۰۰۰

مهدی موعودعلیه السلام (دو جلد)

۱۲۰۰۰۰

مهربان تر از مادر

۵۰۰۰

مهر بیکران ۹۰۰۰

میثاق منتظران «۱» شرح زیارت آل یاسین ۸۰۰۰

میثاق منتظران«۲» شرح زیارت آل یاسین ۱۰۰۰۰

ناپیدا ولی با ما (فارسی) ویژه دانش آموزان ۳۰۰۰

نامه های جوانان به امام زمان علیه السلام ۶۰۰۰

نامه های دختران به امام زمان علیه السلام ۶۰۰۰

نامه های نوجوانان به امام زمان علیه السلام ۵۰۰۰

نتیجه دعا برای فرج حضرت مهدی علیه السلام ۱۷۰۰۰

نجم الثاقب (دو جلدی)

۷۵۰۰۰

نشانه های ظهور او

۱۶۰۰۰

نشانه های یار و چکامه انتظار

۶۰۰۰

نشانه هایی از مهدی علیه السلام ۱۰۰۰۰

نیاز جهان به امام زمان علیه السلام ۵۰۰۰

و آن که دیرتر آمد

۴۵۰۰

وظایف منتظران ۲۵۰۰

وعده دیدار

۶۰۰۰

ویژگی های امام زمان علیه السلام ۲۸۰۰۰

هزار و یک نکته پیرامون امام زمان علیه السلام ۴۵۰۰۰

همراه با مهدی منتظر

۹۰۰۰

یا اباصالح ۲۰۰۰

یاد مهدی علیه السلام ۲۲۰۰۰

یار غائب از

نظر (مجموعه اشعار)

۳۰۰۰۰

پاسخ به شبهات نام کتاب قیمت اسلام شناسی و پاسخ به شبهات ۴۵۰۰۰

امام شناسی و پاسخ به شبهات (قرآن)

۴۸۰۰۰

امام شناسی و پاسخ به شبهات (حدیث)

۵۵۰۰۰

دفاع از تشیع و پاسخ به شبهات ۳۰۰۰۰

سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات ۵۰۰۰۰

غدیرشناسی و پاسخ به شبهات ۲۰۰۰۰

مرجعیت دینی اهل بیت علیهم السلام و پاسخ به شبهات ۴۱۰۰۰

موعودشناسی و پاسخ به شبهات ۴۷۰۰۰

نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات ۲۰۰۰۰

واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات ۲۲۵۰۰

اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنّت ۱۱۰۰۰

سلسله مباحث مهدویت نام کتاب قیمت اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام ۳۰۰۰

امامت در سنین کودکی ۳۰۰۰

امامت و غیبت ۵۰۰۰

بررسی دعای ندبه ۳۵۰۰

تولد حضرت مهدی علیه السلام ۷۰۰۰

حکومت حضرت مهدی علیه السلام ۴۰۰۰

دفاع از مهدویت ۶۵۰۰

دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

۵۰۰۰

علایم ظهور

۶۰۰۰

غیبت صغری ۵۰۰۰

غیبت کبری ۷۵۰۰

فلسفه حکومت عدل جهانی ۳۵۰۰

قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۵۰۰۰

منجی از دیدگاه ادیان ۶۵۰۰

مهدویت و جهانی سازی ۳۵۰۰

نظریه پردازی درباره آینده جهان ۷۰۰۰

وجود امام مهدی علیه السلام از منظرقرآن و حدیث ۵۰۰۰

وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل ۶۰۰۰

وظایف ما در عصر غیبت ۶۵۰۰

هنگامه ظهور

۵۰۰۰

سلسله مباحث شناخت وهابیت نام کتاب قیمت ابن تیمیه، مؤسس افکار وهابیت ۱۲۰۰۰

برپایی مراسم جشن و عزا

۷۵۰۰

توسل از دیدگاه وهابیان ۲۵۰۰

خدا از دیدگاه وهابیان ۵۰۰۰

زیارت قبور از دیدگاه وهابیان ۱۱۰۰۰

شناخت سلفی ها (وهابیان)

۷۵۰۰

فتنه وهابیت ۳۰۰۰

مبانی اعتقادی وهابیان ۱۲۰۰۰

موارد شرک از دیدگاه وهابیان ۷۵۰۰

کودکان نام کتاب قیمت آشنایی با چهارده معصوم(۱ و ۲)

۸۰۰۰

آموزش وضو و نماز (کودکان/مصور)

۶۵۰۰

بهتر از بهار

۴۰۰۰

مجموعه زندگی چهارده معصوم(محمدصلی الله علیه وآله)

۷۰۰۰

مجموعه زندگی چهارده معصوم(امام علی علیه السلام)

۷۰۰۰

مجموعه زندگی چهارده معصوم(حضرت زهراعلیها السلام)

۷۰۰۰

مجموعه زندگی چهارده معصوم(امام حسن علیه السلام)

۶۵۰۰

مجموعه زندگی چهارده معصوم(امام حسین علیه السلام)

۶۵۰۰

اخلاقی، تربیتی نام کتاب قیمت آثار گناه در زندگی و راه جبران

۲۰۰۰۰

اخلاق عملی ۲۰۰۰۰

حلیه المتقین ۴۰۰۰۰

درس هایی از طبیعت ۶۰۰۰

عبرت های ماندگار

۹۰۰۰

فرهنگ اخلاق ۳۸۰۰۰

فرهنگ تربیت ۳۰۰۰۰

فرهنگ صفات ۵۰۰۰۰

قصه های تربیتی ۹۰۰۰

مبانی تربیت و شاخصه های مهم در برنامه ریزی مدارس ۵۰۰۰

معلم محبوب شرایط مقبول مدرسه مطلوب ۴۰۰۰

شرح حال نام کتاب قیمت آقا شیخ مرتضای زاهد

۱۵۰۰۰

بدر مشعشع در احوال موسی مبرقع ۴۰۰۰

تولدی نو (نقد مسیحیت)

۱۴۰۰۰

روزنه هایی از عالم غیب ۲۵۰۰۰

سیاحت غرب ۱۰۰۰۰

کتاب های دیگر

نام کتاب قیمت اسرار مناسک حجّ ۱۲۰۰۰

دین و آزادی ۲۲۰۰۰

رجعت یا حیات دوباره ۱۵۰۰۰

عالم ذر

۱۵۰۰۰

فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها

۳۰۰۰۰

مدینه فاضله در پرتو امر به معروف ونهی از منکر

۵۰۰۰

منازل الآخره (زندگی پس از مرگ)

۱۵۰۰۰

پی نوشتها

۱) نهج البلاغه،خطبه هشتادو هفتم ۲) الحر العامله، محمّد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹